روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir
| روزنامه جوان | شماره ۶۱۴۵ | شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۹ | اول رجب ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۲:۱۹ |
غروب آفتاب: ۱۷:۴۴ | اذان مغرب: ۱۸:۰۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۲۸ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۲ |

نقد کتاب | رامین جهان‌پور

نگاهی به مجموعه داستان «من یک ارتشی‌ام»

موفق در شخصیت‌پردازی

«من یک ارتشی‌ام» مجموعه داستان‌های کوتاه رحیم کریمی است که توسط انتشارات صریر منتشر شده است. درونمایه اصلی داستان‌های این کتاب جنگ ایران و عراق و روزهای پیروزی انقلاب در بحبوحه سال ۱۳۵۷ است که نویسنده به نگارش آنها پرداخته است. زبان همه داستان‌ها طنز است و نویسنده سعی کرده است با ایجاد موقعیت‌های کمیک به پرداختی داستانی به شیوه اول شخص مفرد برسد: «سرباز عراقی از پشت سر لگدی به من زد و با اشاره انگشت بر روی لب مرا به سکوت واداشت» یا در قسمتی که افسر نگهبان بداخلاق به او می‌گوید: «تورو گذاشتن اون بالا که نگهبانی پادگان رو بدی یا صدای نکره‌ات رو بالا ببری... اینجا جاش نیست برو طویله بابای بدتر از خودت. آدم بی‌شعور نفهم...». همه داستان‌های این مجموعه تقریباً در یک حال و هوا نوشته شده‌اند.

داستان حکومت نظامی در سال ۱۳۵۷ و در گرماگرم پیروزی انقلاب اتفاق افتاده است. زمانی که دولت پهلوی سربازهای پادگان را مسلح می‌کرد تا جلوی تظاهرات‌کننده‌ها بایستند. این داستان از زبان شخصیت اول داستان که سرباز وظیفه‌ای به نام آرمین نجاتی است، روایت می‌شود. پاراگراف اول داستان اینگونه آغاز می‌شود: «شب همچون هیولای نفرت‌انگیز بر در و دیوار شهر سایه انداخته بود و پادگان سوت و کورتر از همیشه در ظلمات فرو رفته بود...».

شروع داستان کاملاً توصیفی و داستانی است اما نویسنده در پاراگراف دوم ناگهان نوشته را از کالبد داستانی‌اش دور می‌کند و پرداختش را شبیه یک مقاله سیاسی می‌کند و به مستقیم‌گویی آشکار روی می‌آورد: «در این حال می‌اندیشیدم که چرا باید سازمانی مثل ارتش شاهی به وجود آید و جوانان را از سنین جوانی اجبار کنند که تحت عنوان سرباز، بدان وارد شده و به شاهنشاه خدمت نمایند.» در ادامه پرداخت داستان حالت سخنرانی به خود می‌گیرد و انگار که یک استاد دانشگاه یا معلم دبیرستان دارد به شاگردهایش درس می‌دهد: «راستی که حکومت‌های استبدادی اهرم‌ها و اسبابهایی اینچنینی را به وجود می‌آورند تا مردم خویش را استثمار نمایند...». در اینجا علاوه بر حرف‌های شعارگونه یک سرباز وظیفه، با نثری قدیمی که شبیه پاورقی‌های دهه ۱۳۳۰ است، مواجه می‌شویم که روان بودن و سادگی پرداخت داستان را از بین برده است. اگر هم فرض بگیریم به اینکه نویسنده با این توضیحات خواسته مخاطب را با حال و هوای بحرانی آن روزهای کشور مواجه کند، باز هم این گونه پرداخت اشتباه است، چون در یک داستان کوتاه نویسنده وظیفه‌اش این است که شرح و پرداخت رویدادهای قصه‌اش را از زبان شخصیت‌های داستان به طور غیرمستقیم برای مخاطب تشریح کند یا با ایجاد موقعیت‌ها، واکنش و کنش شخصیت‌های داستان را در موقعیت‌های مختلف به خواننده القا کند نه با مستقیم‌گویی. نویسنده اگر این توضیحات را حذف می‌کرد، هم داستان جمع و جورتر می‌شد و هم اینکه مخاطب را به دور از هرگونه شعار با واقعیت‌های ماجرای قصه آشنا می‌کرد. در ادامه نویسنده در صحنه‌ای از داستان چهره شخصیت اول داستان را به تصویر می‌کشد که یکی از صحنه‌های جالب توجه داستان است. تصویرنگاری یکی از ارکان‌های مهم شخصیت‌پردازی در داستان است که متأسفانه این روزها خیلی از داستان‌نویس‌ها بی‌تفاوت از کنارش می‌گذرند.

جدا از شخصیت‌پردازی موفق نویسنده، یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب، توصیفات به‌موقع نویسنده در فضاسازی داستان است، خصوصاً در آن صحنه‌ای که سرباز از داخل برجک نگهبانی سگ ولگردی را می‌بیند که در میان زباله‌ها مشغول سق زدن به استخوان مرغ است و بوی زباله شامه‌اش را می‌آزارد.

دیده‌بان

علی برقی بازیگر سینما و تلویزیون درگذشت

علی برقی بازیگر جوان سینما و تلویزیون پنج‌شنبه ۲۳ بهمن ماه درگذشت.

حسین برقی پدر زنده‌یاد علی برقی با تأیید خبر درگذشت، این بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون به مهر گفت: فرزندم شب گذشته به دلیل آمبولی ریه در بیمارستان سینا درگذشت. علی برقی چندی پیش از ابتلای خود به کرونا خبر داده بود. این بازیگر امسال در فیلم سینمایی «گل به خودی» به کارگردانی احمد تجری بازی کرده بود که هنوز اکران نشده است.

شعر

یک شاعر مطرح کرد

غلط‌های املایی در فضای مجازی، برنامه‌ریزی‌شده هستند!

شاعر و نویسنده کشورمان معتقد است بخشی از غلط‌های املایی در فضای مجازی به صورت برنامه‌ریزی‌شده رخ می‌دهد.

ناصر پروانی، شاعر و نویسنده درباره غلط‌های املایی رایج در فضای مجازی به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: غلط‌های املایی در فضای مجازی به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ دسته‌ای از آنها ناآگاهانه در فضای مجازی رخ می‌دهد. این دسته از غلط‌های املایی روی زبان فارسی تأثیر زیادی نمی‌گذارد و قسمتی از آنها نیز برنامه‌ریزی‌شده در فضای مجازی رخ می‌دهد که تأثیر زیادی روی زبان فارسی می‌گذارد.

وی افزود: واژه‌هایی مانند «عجقم» را در زبان محاوره دخترهای ۱۵-۱۴ ساله و بالاتر می‌بینیم. این کلمات در سریال‌های تلویزیونی به کار می‌رود و بازخورد دارد. از آنجا که گفتار به نوشتار تبدیل می‌شود، نوشتار این دسته از کلمات به فضای مجازی راه پیدا می‌کند و در این فضا ماندگار می‌شود. برخی صفحه‌ها در فضای مجازی هستند که واژه‌های اصیل فارسی را با نوشتاری غلط رواج می‌دهند.

این شاعر ادامه داد: تعدادی از کلمات زبان فارسی را به شکل متفاوتی بیان می‌کنیم. از آنجا که استفاده‌های نادرست این دسته از کلمه تعمدی است، به زبان فارسی آسیب می‌زند. به این شکل زبان فارسی تحریف می‌شود. دلیل ارزشمندی قرآن این است که واژه‌های آن تحریف نشدند، اما ما در زبان و ادبیات فارسی که اصیل‌ترین میراثمان است با تحریف واژه‌ها روبه‌رو هستیم.

این نویسنده بیان کرد: ما دو وطن داریم؛ یکی خاک ما و دیگری زبان مادری‌مان است. متأسفانه شاهدیم تک‌تک سنگ‌ها و کوه‌های زبان و ادبیات فارسی ما از بین می‌رود. زمانی واژه‌های بیگانه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی وارد شد و معادل‌سازی‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی تا حدی ناملموس و نازیبا بود که ظرفیت جوک‌هایمان را افزایش داد. امروزه غلط‌نویسی‌هایی در زبان فارسی رایج شده است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید در این زمینه کاری انجام دهند.

پروانی اظهار کرد: اینکه یک صفحه در فضای مجازی با ۲۰۰ هزار دنبال‌کننده یک رسانه محسوب می‌شود، وقتی این رسانه واژه «تو» را به شکل «تُ» می‌نویسد، تأثیر زیادی روی زبان فارسی می‌گذارد. از آنجا که ریشه این غلط‌نویسی‌ها در گفتار وجود دارد، گفتار درست در نوشتار درست تأثیر می‌گذارد. متأسفانه این مسئله گذرا نیست و ماندگار خواهد شد. ما زبانمان را از فیلم‌ها و پدر و مادرمان آموختیم و اثر این آموزش‌ها در ذهن ما ماندگار شد. بازیگری که کلمه‌ای غلط را به کار می‌برد یا در فضای مجازی غلط نوشته می‌شود، در ذهن نسل جدید تأثیر می‌گذارد. خطر همین جاست، اگر این مسئله در یک دوره زمانی رخ می‌داد، خوشحال می‌شدیم، اما این مسئله تهدید زبان فارسی است و به مرور زبانمان را از دست می‌دهیم.

در گفت‌وگوی «جوان» با برنده سیمرغ جشنواره فیلم فجر مطرح شد

مثل «تک‌تیرانداز» می‌توان در سینمای جنگ به هدف زد

■ محمدصادق عابدینی

فیلم سینمایی «تک تیرانداز» محصول بنیاد فرهنگی روایت، موفق به کسب دو سیمرغ از سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر شد، اگر چه به نظر می‌رسید حق این فیلم بیش از دو سیمرغ باشد. یکی از سیمرغ‌هایی که به این فیلم تعلق گرفت، سیمرغ «جلوه‌های ویژه میدانی» است که در بخش فنی جشنواره دسته‌بندی می‌شود. ایمان کریمیان، مسئول جلوه‌های ویژه میدانی فیلم تک تیرانداز و فیلم «یدو» در گفت‌وگو با «جوان» درباره حضور در این فیلم و تولید جلوه‌های ویژه میدانی در سینما توضیح داده است.

امسال سیمرغ بلورین جلوه‌های ویژه میدانی را از آن خود کردید، لطفاً درباره کارهای خاصی که در فیلم تک تیرانداز صورت گرفته بود، توضیح دهید.

وقتی فیلمنامه را فرستادند و خواندم، قرار شد جلسه حضوری با آقای غفاری داشته باشیم. با ایشان دورادور آشنا بودم اما چیزی که من را به این فیلم جذب کرد، شخصیت شهید زرین بود و تصمیم گرفتیم هر چقدر می‌توانیم به شخصیت نزدیک شویم و حتی اگر جایی امکانش نبود، تفکراتش را برای نسل جوان نشان دهیم. در خصوص جلوه‌های ویژه فیلم باید بگویم اساساً تک‌تیراندازها نقاط خاص و اهداف خاصی را هدف قرار می‌دهند اما در خصوص شهید زرین موضوع متفاوت بود. این شهید بزرگوار هر هدفی را نمی‌زد، مثلاً افرادی را که سر نماز بودند، هرگز نمی‌زد، سربازها را نمی‌زد و تنها فرماندهان ارشد بعثی را هدف قرار می‌داد و همین برای من جذاب بود و وقتی زندگینامه شهید را خواندم برایم بسیار جذاب‌تر شد، به خصوص که چندی پیش هم فیلم مستندی از این شهید را کار کرده بودم و به نوعی آشنایی قبلی از ایشان داشتم.

جایگاه جلوه‌های ویژه میدانی در سینمای ایران را چگونه متصور هستید و به نظر شما به رغم تولیدات کم در حوزه دفاع مقدس آیا بحث جلوه‌های ویژه میدانی محدودتر نشده است؟

فیلم نقاط قوت بسیاری داشت؛ فیلمبرداری بسیار درخشان، کارگردانی، تدوین، صحنه و سایر اجزای فیلم بسیار خوب بود. یک تیم بسیار جوان در این پروژه و فیلم تک‌تیرانداز حضور داشتند

جایگاه جلوه‌های ویژه میدانی در سینمای ایران جایگاه بسیار خوب و مناسبی است. ما از نظر علم، دانش و توانایی از سطح منطقه‌مان بالاتر هستیم و به نظرم همان‌طور که در سایر گفت‌وگوهایم نیز گفته‌ام ما تنها از نظر تجهیزات آن هم از سینمای هالیوود و بالیوود، نه در سطح کشورهای منطقه، یک مقداری پایین‌تر هستیم. درباره تولیدات حوزه دفاع مقدس بله، وقتی فیلم دفاع مقدسی تولید شود باید در بخش‌هایی نهادها و ارگان‌هایی همراهی و کمک کنند و قطعاً وقتی این دستگاه‌ها به شما کمک نکنند، قطعاً نمی‌شود تولید کرد و طبعاً جلوه‌های ویژه میدانی در حوزه آثار دفاع مقدس بسیار محدود می‌شود ولی قطعاً جلوه‌های ویژه همه‌اش بحث انفجار و جنگ نیست. در فیلم‌های اکشن، ملودرام و سوررئال از جلوه‌های ویژه بسیاری استفاده می‌شود و یک مدیر جلوه‌های ویژه باید در تمام اجزای سینما تخصص داشته باشد، باید آشنا به گریم و دوربین باشد و شاخه‌های مختلف را بشناسد تا بتواند مدیریت کند. ما سرداران گمنام بسیاری داریم، از طرفی فیلمسازان کاربلد و کاردرست بسیاری هم در سینما داریم که بتوانند آثار خوبی تولید کنند، مانند همین تک‌تیرانداز، ما می‌توانیم فیلم‌هایی مانند تک‌تیرانداز را که تولیدشده باز هم در سینما تکرار کنیم و بسازیم.

قطعاً جلوه‌های ویژه میدانی در آثار دفاع مقدسی مخاطرات بسیاری دارد، کمی از خطرات این حرفه در سینمای دفاع مقدس بگویید.

قطعاً جلوه‌های ویژه میدانی در تمامی آثار سینمایی خطر دارد. اصلاً این شغل کاملاً پرخطر است و به نظر من زندگی کردن خودش یک نوع خطر کردن و ریسک کردن است، مانند اینکه از در منزل بیرون بروید و هزار و یک اتفاق بیفتد، این حرفه هم حرفه پرخطری است و باید درست کار کنید و روی کاری که انجام می‌دهید تمرکز داشته باشید تا خطرات بسیار کم شود. خواهشم این است تجهیزات حرفه‌ای وارد سینما شود و ارگان‌هایی که می‌توانند، به این بخش کمک کنند تا تمام این خطراتی که از دور نشان داده می‌شود کم و کمتر شود.

برگردیم به فیلم تک تیرانداز. یکی از نقاط قوت فیلم در جشنواره همین جلوه‌های ویژه میدانی بود. انفجارهای فراوان و فضای کاملاً جنگی فیلم خللی در تصمیم‌گیریتان پیش نیاورد؟

اینکه صرفاً نقاط ویژه فیلم جلوه‌های ویژه میدانی‌اش بود را قبول ندارم. فیلم نقاط قوت بسیاری داشت؛ فیلمبرداری بسیار درخشان، کارگردانی، تدوین، صحنه و سایر اجزای فیلم بسیار خوب بود. این را بیان کنم که یک تیم بسیار جوان در این پروژه و فیلم تک‌تیرانداز حضور داشتند که بسیاری‌شان جنگ را ندیده و فقط شنیده‌اند.

تک‌تیرانداز تنها فیلمی بود که مستقیماً به موضوع دفاع مقدس می‌پرداخت و اساساً در چند سال گذشته از این گونه آثار بسیار کم داشتیم. تحلیل شما چیست و چرا تولیدات سینمای جنگی که مستقیم به موضوع دفاع مقدس می‌پردازد در سینما کم شده است؟

اساساً فیلم جنگی ساختن با این موضوع، واقعاً سخت است، چون امکانات و ادوات خاص خود را می‌خواهد و مانند فیلم آپارتمانی نیست و اساساً فیلمی از نوع تک‌تیرانداز را نمی‌توان به سادگی ساخت. به نظرم برای تولیدات اینچنین سنگینی نهادها و ارگان‌ها باید پای کار بیایند و حمایت کنند.

اوایل دهه ۷۰ بیشترین آثار دفاع مقدسی در سینما تولید شده است، علت این افزایش چه بود و چطور شد که ناگهان شاهد کاهش این آثار در سایر دهه‌ها بودیم؟

فکر می‌کنم در آن سال‌ها از طریق سینما می‌خواستیم عمق فاجعه جنگ را نشان دهیم و اینکه چه اتفاقی افتاد اما ای کاش همان‌ها را در دهه ۹۰ مجدداً بازتولید کنیم و نشان دهیم. در دهه ۷۰ کارگردانان بزرگی چون مرحوم رسول ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا و احمدرضا درویش آثار فاخری را تولید کردند. باید الان بیاییم با فیلمسازان مستعد و جوان همان آثار دفاع مقدسی را تولید کنیم، ما خیلی حاج احمدها داریم، ما شهید زین‌الدین و شهید وزوایی داریم، شهید همت داریم، باید این شخصیت‌ها را برای جوانان بشناسانیم.

حکمت

امام صادق(ع):

هرگز زمین باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن دانشمندی وجود دارد که حق را از باطل می‌شناسد.

[محاسن، ج ۱، ص ۲۳۴]

نما | حسین کشتکار

دیدگاه

شکاف رو به رشد سینما و جامعه

فیلمسازان اصرار عجیبی دارند تلقی ذهنی خود را از جامعه بروز دهند و طبقه مستضعف را در سیاهی، نکبت و بی‌ایمانی محض ترسیم کنند

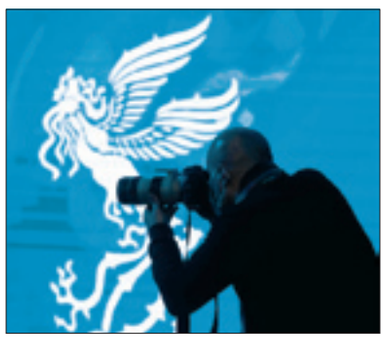

■ افشین علیار

سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر به پایان رسید و آثار زیادی در صف اکران قرار گرفته‌اند و حالا ۱۶ فیلمی که در جشنواره امسال نمایش داده شده هم به آنها اضافه می‌شوند.

از آنجا که می‌گویند جشنواره فیلم فجر ویترین سینمای ایران است و آثار به نمایش درآمده در این رویداد فرهنگی و هنری می‌تواند بازتاب سینمای ایران باشد، هر چقدر که جلوتر می‌رویم رویکرد جشنواره فجر نسبت به آن چیزی که باید باشد، شکلی منفعل به خود می‌گیرد، به طوری که درصد بیشتر فیلم‌های جشنواره سال جاری بستری مناسب و خاصی را دنبال می‌کنند و این مختص آثار امسال نیست بلکه خیلی وقت است فیلم‌های جشنواره نمی‌توانند از قصه‌های تکراری و ناامیدکننده فاصله بگیرند، گویی قصه‌ها در فضایی بسته گیر کرده‌اند و القای ناامیدی ترجیع‌بند آنهاست.

شاکله اصلی آثار جشنواره امسال ناامیدی، خشونت و خودکشی بود. فیلم‌هایی مثل «بی‌همه چیز»، «ستاره بازی»، «روشن» و «خط فرضی» که گره‌افکنی آنها با خودکشی بود و از سوی دیگر فیلمسازان ما برای بهتر دیده شدن آثارشان در داخل و خارج دست به شعارهای توخالی زدند. فیلمسازان اصرار عجیبی داشتند تا فقر فرهنگی را با فقر اقتصادی پیوند بزنند و طبقه مستضعف و محروم را در سیاهی، نکبت و بی‌ایمانی محض ترسیم کنند و در این راه افراط‌گرایی بی‌سابقه‌ای دیده شد. محمدحسین مهدویان و نرگس آبیار قطعاً در این جشنواره نتوانستند انتظار همیشگی مخاطبانشان را برآورده کنند و این شاید همان تعریف اشتباه سینمای مستقل باشد، به طوری که فیلمساز می‌گوید برای دل خودم ساختم و تحت تأثیر جریانات خاص نبوده‌ام، این نگاه باعث عقیم ماندن نگرش آنها در فیلم‌های جدیدشان بوده است. همانطور که گفته شد امید از فیلم‌ها رفته است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های جشنواره امسال آثار فیلم اولی‌ها بود؛ آثاری که اغلب به دلیل مضمون و اجرا از سایر فیلم‌ها جلوتر بودند؛ آثاری مثل «روزی روزگاری آبادان»، «مامان» یا «گیج‌گاه» و «زالاوا» که معلوم بود این فیلم‌ها با دغدغه خاصی شکل گرفته‌اند. چارچوب و نگرش اساسی پشت آنها بود که باید امیدوار بود فیلمسازان این آثار در آینده از راه مشخص خودشان خارج نشوند، البته فیلم «منصور» هم پرتره کامل و مهمی از شهید ستاری بود که در اندازه خودش به درستی ساخته شده بود. «یدو» هم امسال در ۱۳ رشته کاندیدا شد و توانست جایزه‌های مهمی را از آن خود کند.

اساساً یدو فیلمی جشنواره‌ای بود؛ فیلمی درباره جنگ، بی‌آنکه بخواهد خاکریز و تانک نشان بدهد. اگر چه از یک جشنواره با ۱۶ فیلم آن هم در سایه کرونا نمی‌شود توقع زیادی داشت اما اینکه فیلمسازان ما برای رسیدن به هدف‌شان از راه منحرف می‌شوند، قابل توجیه نیست. برخی کارگردانان صاحبنام امسال در فیلم جدیدشان رویکرد سابق را ندارند و در جایی غلط یعنی پشت سیاهی ذهن خود از جامعه ایستاده‌اند و معتقدند فیلم‌مان را برای مردم ساخته‌ایم. نقد اجتماعی حتماً نیاز مبرم به آسیب‌شناسی درونی دارد. از سوی دیگر اعتیاد و فلاکت و بدبختی و قمار، استفاده از مشروبات الکلی و بی‌غیرتی و سیگار و رابطه‌های غیرمنطقی عاطفی در بیشتر فیلم‌ها دیده می‌شد، این شکل از بی‌بندوباری باعث تفکر فیلم اجتماعی نمی‌شود، چه بسا که تأثیرگذاری آن در اجتماع می‌تواند افکار عمومی را تخریب کند. در شکل کلی بعضی آثار سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر ربطی به ارزش‌های اجتماعی کشورمان ندارند و این می‌تواند یک زنگ خطر برای سینمای ایران باشد؛ سینمایی که روزبه‌روز شکست را تجربه می‌کند. در این میان سینمایی که مخاطب نداشته باشد ورشکستگی‌اش قطعی است، بدون شک انفعال و عملکرد ضعیف وزارت ارشاد و سازمان سینمایی در ایجاد این وضعیت نقشی مهم دارد.

تلویزیون

معمای ضعف سریال‌های انقلابی

این سریال‌ها بیشتر به تخیل نویسنده اکتفا کرده است!

اکبر نبوی با انتقاد از متن سریال‌هایی که در سال‌های اخیر در حوزه تاریخ معاصر و مشخصاً تحولات مرتبط با انقلاب اسلامی نوشته شده است، عنوان کرد که نویسنده بیشتر به تخیل خود اکتفا کرده است.

اکبر نبوی، مستندساز و منتقد سینما و تلویزیون درباره اینکه چرا در این سال‌ها کمتر اقتباسی درباره چهره‌ها و سوژه‌های انقلابی در سریال‌ها صورت گرفته است، به مهر گفت: نمی‌دانم چه آفتی به جانِ نویسندگان ما افتاده است که برای کارهای تصویری درام و داستانی اعم از سینمایی یا تلویزیونی، کمتر خود را به زحمت تحقیق و پژوهش می‌اندازند، البته نمی‌گویم هیچ کس چنین کاری را انجام نمی‌دهد، اما شمار کمی هستند که خود را ملزم به تحقیق و پژوهش یا استفاده از منابع مکتوب داستانی و اقتباسی می‌دانند. این فعال سینمایی که در برخی از گروه‌های فیلم و سریال صدا و سیما نیز حضور داشته است، درباره فیلمنامه‌های راه یافته به این گروه‌ها عنوان کرد: در طول دو سال گذشته سه متن در حوزه تاریخ معاصر که به اواخر قاجار و اوایل پهلوی اول مربوط می‌شد، به دست ما رسیده است. من زمانی که هر سه متن را خواندم، مشخص بود که هیچ تحقیق و پژوهشی پشت آنها نبوده است و نویسندگان اطلاعات کلی از آن مقطع داشته یا شنیده و بر اساس آنها به تخیلات خود اکتفا کرده‌اند. وی ادامه داد: واقعاً بدون بررسی درست نمی‌توان گفت ریشه و حلقه مفقوده این زنجیره چیست که سریال‌های انقلابی ما از تحقیق، پژوهش و اقتباس‌های درست برخوردار نیستند. این حجم از تنبلی و بی‌حوصلگی در نویسندگان از کجا می‌آید؟ یا حتی چرا کارگردان‌هایی که زمانی مبتنی بر رمان و قصه، فیلم‌های ماندگاری را در تاریخ رقم زده‌اند، الان چند سالی است که ضعیف‌ترین کارهایشان را می‌سازند؟

نبوی در پاسخ به اینکه چقدر منابع اقتباسی در حوزه روایت‌های انقلابی موجود است، عنوان کرد: منابع تحقیق و پژوهش از آثار داستانی قوی بیشتر است، با این حال حتی در شرایط فقدان منابع، نویسنده و کارگردان باید به خودش متعهد باشد و اگر منبع لازم موجود نباشد، دست به تولید نزند تا مبادا گرفتار آثار کلیشه‌ای و ضعیف شود. نبوی در بخش دیگری از سخنانش درباره مدیرانی که در مورد موضوعات انقلابی سفارش کار می‌دهند، عنوان کرد: مدیران در کاری که متولی آن هستند سختگیر نیستند و به دم دستی‌ها اکتفا می‌کنند. منظور از سختگیری، ممیزی یا سانسور آثار نیست بلکه این سختگیری‌ها به کیفیت کار برمی‌گردد.

وی درباره سریال‌های اخیر سیما مثل «روزهای ابدی» به کارگردانی جواد شمقدری بیان کرد: از جواد شمقدری نمی‌توان سریال چندان موفق و باکیفیتی را انتظار داشت.

کتاب

جشن امضای مادر شهید روی کتاب مدافع حرم

جشن امضای کتاب «ماجرای عجیب یک جشن تولد» تا سه روز دیگر ادامه دارد. مادر شهید مهدی ثامنی‌راد و جواد کلاته عربی (نویسنده اثر) این کتاب را امضا می‌کنند و برای خریداران می‌فرستند.

به گزارش فارس، جشن امضای کتاب «ماجرای عجیب یک جشن تولد»، روایت مستند زندگی شهید مدافع حرم، مهدی ثامنی‌راد تا ۲۸ بهمن ادامه دارد و سایت نیوار، آن را با ۲۰ درصد تخفیف و بهای نهایی ۲۴ هزار تومان به خریداران عرضه می‌کند. «ماجرای عجیب یک جشن تولد» روایت مستند زندگی شهید مدافع حرم مهدی ثامنی‌راد است که پیکرش سه سال پس از شهادت در هفتم تیرماه سال ۹۸ به وطن بازگشت. مهدی ثامنی‌راد متولد سال ۱۳۶۱ ورامین بود که تا مقطع کارشناسی تحصیل کرده بود و در همان شهر زندگی می‌کرد. ماجرای مهدی از زمانی رقم خورد که با همان تیپ لاتی‌اش وارد مسجد مهدیه و پایگاه بسیج می‌شود. زمان می‌گذرد. کم‌کم تغییرات محسوسی در تیپ ظاهری و اخلاق مهدی رخ می‌دهد. مهدی رشته معارف را در دانشگاه رها می‌کند و بالاخره حرف دلش را گوش می‌دهد. به دانشگاه افسری امام حسین(ع) می‌رود و پاسدار می‌شود. در تیپ امنیتی آل محمد تهران به یک تک‌تیرانداز و فرمانده قابل تبدیل می‌شود.

سردار اسداللهی در اعزام آبان ۹۴ مهدی را به عنوان فرمانده یک محور پدافندی منصوب می‌کند. وقت عملیات فرا می‌رسد. مهدی از محور پدافندی فراخوانده می‌شود و به عنوان فرمانده تیم اصلی حمله به روستای هوبر عمل می‌کند. ۲۲ بهمن ۹۴ فرا می‌رسد. ماجرای عجیب یک جشن تولد رخ می‌دهد. آری، تاریخ زمینی شدن و آسمانی شدن مهدی در یک روز رقم می‌خورد.